

فهرست عناوین

مقدمه

- الف) تبیین مسئله..... ۷
- ب) اهمیت موضوع و انگیزه انتخاب آن ۱۰
- پ) پیشینه تحقیق..... ۱۰
- ت) پرسش های تحقیق..... ۱۱
- ث) اهداف تحقیق..... ۱۱
- ج) فرضیه تحقیق..... ۱۱
- د) روش تحقیق و محدودیت های آن..... ۱۱
- ش) سازماندهی پژوهش..... ۱۲

فصل اول مبانی و مفاهیم تحقیق

گفتار اول بررسی مفهوم عدالت اجتماعی و نظریات مرتبط

مبحث اول: مفهوم عدالت و اقسام آن

- الف- مفهوم عدالت..... ۱۴
- ب- اقسام عدالت..... ۱۵

مبحث دوم: نظریات عدالت:

- الف- نظریات ماقبل مدرن (کلاسیک)..... ۲۱
- ب- نظریات عدالت مدرن..... ۲۲
- ج- نظریات عدالت توزیعی..... ۲۴

گفتار دوم نظام رفاه و تامین اجتماعی و راهبرد های تحقق آن

مبحث اول: نظام رفاه

- الف-پیشینه ی رفاه ۲۷
- ب-مفهوم رفاه ۳۱
- ج-نظریه پردازان اقتصادی اجتماعی دولت رفاه..... ۳۲
- د-مقایسه رفاه با برخی شاخص های مشابه..... ۳۵

مبحث دوم :

راهبرد ها و ابزار های تحقق رفاه

- الف-راهبردها و ابزار های سنتی رفاه(قبل از پیدایش بیمه های اجتماعی)..... ۳۸
- ب-راهبرد های مدرن نظام جامع رفاه..... ۴۱

گفتار سوم بررسی جایگاه بیمه بیکاری در نظام رفاهی

مبحث اول بیمه های اجتماعی:

- ب-تاریخچه..... ۴۵
- ج-تعریف بیمه های اجتماعی ۴۶
- د-روش تامین مالی طرح های بیمه های اجتماعی ۴۷
- ر-مقایسه بیمه های اجتماعی با بیمه های خصوصی ۴۷

مبحث دوم: بیمه بیکاری

- الف-تاریخچه بیمه بیکاری ۴۹
- ب-مبانی بیمه بیکاری ۵۰

فصل دوم بررسی نظام حقوقی بیمه بیکاری در ایران :

گفتار اول منابع نظام بیمه بیکاری در ایران

مبحث اول :معاهدات بین المللی در ارتباط با حق اشتغال و حمایت از بیکاری

- الف-اعلامیه جهانی حقوق بشر..... ۵۹

ب-میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی ۵۹

مبحث دوم: قانون اساسی

الف- آزادی در انتخاب شغل و حق داشتن کار..... ۶۰

ب- حق بر خورداری از تامین اجتماعی..... ۶۱

ج- ریشکنی فقر و محرومیت..... ۶۲

مبحث سوم: قانون بیمه بیکاری

قانون بیمه بیکاری..... ۶۲

مبحث چهارم: قانون کار

الف- حمایت از کارگران شاغل ۶۲

ب- حمایت های صورت گرفته از کارگران که سابقه اشتغال نداشته اند ۶۶

مبحث پنجم: قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین

الف- حق بر تامین اجتماعی ۶۷

ب- امور مورد حمایت نظام جامع تامین اجتماعی..... ۶۷

ج- حوزه ها نظام جامع تامین اجتماعی، اهداف هر یک در ارتباط با حمایت از اشتغال و بیکاری ۶۸

د- اصول و سیاست های نظام جامع رفاه..... ۶۹

مبحث ششم: قانون مدیریت خدمات کشوری

قانون مدیریت خدمات کشوری..... ۷۱

گفتار دوم: بررسی قانون بیمه بیکاری

مبحث اول: تاریخچه، دایره شمول و اجباری بودن

الف- تاریخچه ۷۲

ب- دایره شمول قانون بیکاری..... ۷۳

ج- اجباری بودن این نظام ۷۴

مبحث دوم: سازمان های متولی بیمه بیکاری و وظایف و اختیارات هر کدام

الف- سازمانهای متولی بیمه بیکاری..... ۷۴

ب- وظایف و اختیارات هر کدام از نهادهای مسئول..... ۷۵

مبحث سوم: اهداف نظام بیمه بیکاری

الف- اشتغال و جذب بیمه شده بیکار..... ۷۷

ب- تامین معیشت شخص بیکاری..... ۷۹

ج- برخورداری از سایر مزایای تامین اجتماعی در دوران بیکاری..... ۷۹

مبحث چهارم: شرایط برخورداری از مقرری بیکاری و مسائل مرتبط با آن

الف- سپری شدن دوره انتظار..... ۸۰

ب- غیر ارادی بودن بیکاری..... ۸۰

ج- آماده به کار بودن ۸۷

د- داشتن حداقل سابقه پرداخت حق بیمه ۸۷

مبحث هفتم:

وظیفه بیمه شده بیکار..... ۸۸

مبحث هشتم: میزان و مدت زمان استفاده از مقرری بیکاری و نحوه محاسبه آن

الف- میزان و مدت زمان استفاده از مقرری بیکاری..... ۸۹

ب- نحوه محاسبه میزان مستمری پرداختی به بیمه شده بیکار..... ۹۱

مبحث نهم: موارد قطع مقرری

الف- اشتغال مجدد بیمه شده بیکاری ۹۲

ب- اعاده به کار بیمه شده..... ۹۲

- ج-نپذیرفتن شغل مشابه پیشنهادی.....۹۲
- د-استفاده از مستمری بازنشستگی و از کار افتادگی۹۲
- ر-عدم حضور در دوره های کارآموزی و سوادآموزی۹۳
- ز-احراز ارادی بودن بیکاری.....۹۳

مبحث دهم: موارد توقف پرداخت مستمری

- الف-بازداشت یا زندانی شدن بیمه شده بیکار۹۳
- ب-اعزام به خدمت نظام و وظیفه۹۴

مبحث یازدهم:

- هزینه های صندوق بیمه بیکاری.....۹۴

فصل سوم نقد نظام حمایت از بیکاری و ترسیم نظام مطلوب

گفتار اول: نقد و بررسی نظام حقوقی کشورمان در ارتباط با حمایت از بیکاری

مبحث اول: مشکلات و تنگناهای نظام بیمه

- الف-وجود ابهام در موارد بسیاری در این قانون۹۵
- ب-بار مالی صندوق(متناسب نبودن تعهدات صندوق با حق بیمه دریافتی)۹۶
- ج-تحت پوشش قرار دادن تغییرات فراتر از سطح بازار۹۷
- د-عدم اعمال مدیریت واحد۹۸
- ذ-عدم شمول قانون بر بیکاران مدت موقت، کارمعین، فصلی.....۹۸
- ر-ایجاد انگیزه برای ماندن در بیکاری.....۹۹
- ز-کافی نبودن کارآمدی سیستم برای کنترل مقرری بگیران۹۹
- ش-کافی نبودن ضمانت اجرای مناسب در ارتباط با سوء استفاده اشخاص بیمه شده۹۹
- ت-عدم وجود دوره انتظار۱۰۰

ظ-عدم ارائه ضابطه مناسب در ارتباط با مناسب بودن یا نبودن شغل ۱۰۰

ع-آیین نامه اجرایی..... ۱۰۰

مبحث دوم : نظام حمایتی (غیر بیمه ای)

الف-بررسی مختصر نظام حمایتی و سازمانهای فعال در این حوزه..... ۱۰۱

ب-نقد نظام حمایتی..... ۱۰۵

گفتار دوم: پیشنهاد نظام مطلوب

الف-نظریه پیشنهادی عدالت اجتماعی برای کشورمان..... ۱۰۷

ب-پیشنهادها برای رفع کاستیهای نظام بیمه ای..... ۱۰۸

ج-پیشنهاد نظام حمایتی..... ۱۱۰

د-پیشنهادات اصلاحی میان دو حوزه(بیمه ای و نظام حمایتی)..... ۱۱۰

نتیجه گیری..... ۱۱۴

الف- تبیین مسئله: با تاکیدى كه اجتماع بر كار به عنوان مهمترين وسيله مشروع كسب درآمد و جايگاه اجتماعى دارد، اشخاصى كه قادر به يافتن كار نيستند، از لحاظ مالى درمضيقه قرار مى گيرند و از جنبه اجتماعى نيز طرد مى شوند.¹ بىكارى پديدآيد صرفاً متعلق به دوران معاصر نيست، بلكه دولت ها از عهد باستان با اين معضل روبه رو بوده اند؛ مثلاً در زمان فرعون، سازنده اهرام ثلاثه، به دنبال پايان يافتن ساخت هر بنا با معضلى به عنوان بىكارى تعدادى از كارگران روبه رو بود. آما به دنبال انقلاب صنعتى اين موضوع حالت گسترده تر و ابعاد مختلف به خود گرفت.

با وقوع انقلاب صنعتى و متعاقب آن تحول جوامع غربى از نظام فئودالى؛ مبتنى بر زمين و اقتصاد كشاورزى، به نظام سرمايه دارى؛ مبتنى بر صنعت و اقتصاد بازار، از درون نظام جديدى، طبقه به نام كارگر شكل گرفت كه تنها از راه فروش كار خود گذران زندگى مى كردند. هر نوع کاهش، قطع درآمد، افزايش هزينه ها، آثار سوء اقتصادى اجتماعى بر او و خانواده اش مى گذاشت. عوامل مختلفى مى تواند باعث کاهش، افزايش هزينه ها و يا قطع درآمد كارگران كه اصطلاحاً به آنها «مخاطرات اجتماعى» گفته مى شد، شود. پيرى، از كار افتادگى، بيمارى، بىكارى، مرگ سرپرست خانواده و... هر کدام به نوبه خود، باعث قطع موقت و يا دائم درآمد كارگر و يا افزايش هزينه هاى زندگى او مى شد. يكى از مهمترين مخاطرات اقتصادى كه تقريباً در تمام جوامع اعم از پيشرفته، در حال توسعه و نيز عقب مانده وجود دارد، معضلى به نام بىكارى مى باشد.

از آن جهت كه درآمد ناشى از كار عمده ترين منبع تامين اقتصادى براى خانواده ها به حساب مى آيد، آغاز يك دوره بىكارى باعث کاهش غير منتظره و فورى درآمد شخص مى شود. پيامدهاى متفاوت بىكارى به طور خاص براى خانواده هاى كه تنها يك نان آور دارند و يا آنهاى كه دوره بىكارى طولانى مدتى را تجربه مى كنند جدى تر مى باشد.³ بىكارى هزينه هاى اجتماعى و فردى؛ از قبيل، تنگناى مالى و فقر، بدهكارى، بى خانمانى، اختلالات و تنش هاى خانوادگى، از خود بىگانگى، افزايش انزوای اجتماعى، ارتكاب جرم، تحليل اعتماد و خود باورى شخص و کاهش مهارت هاى كارى را به دنبال دارد و يا موارد گفته شده عمدتاً در دوره بىكارى افزايش مى يابد.⁴ بىكارى با فقر و شكاف اجتماعى نيز ارتباط نزديك دارد. معمولاً عمده دليل فقر بىكارى مى باشد و نيز فقر به طور معمول درمیان بىكاران بيشتر از ساير اقشار جامعه وجود

¹Macarov, david, **social welfare**, , first published, Sage Publication ,Inc, 1995,p239

² Ibid, 153

³ Vroman, Wayne «An Introduction to Unemployment and Unemployment Insurance», Washington, DC: The Urban Institute, 2005,p1

⁴McClelland, Alison« The social consequences of unemployment», Oxford University Press, london, 1998, p1.

دارد.^۵ بین بیکاری و شکاف اجتماعی نیز ارتباط متقابلی وجود دارد. معمولاً کودکان خانواده های که والدین آنها شاغل هستند و یا درآمد بالایی دارند، نسبت به خانواده هایی که والدین آنها بیکار می باشند و یا درآمد پایینی دارند، از شرایط آموزشی و موقعیت اجتماعی و شغلی و به طور کلی آینده اجتماعی بهتری برخوردار هستند.^۶

از این رو عدالت اجتماعی اقتضا می کند که دولت با دخالت خود ضمن کاستن از عواقب اجتماعی و اقتصادی بیکاری بر افراد و خانواده ها، از پیامدهای سوء آن بر اجتماع و امنیت اقتصادی سیاسی آن نیز بکاهد. لازم است دولت در راستای تحقق عدالت اجتماعی با اتخاذ سیاست های در راستای اشتغال و کمک به اشخاص بیکار به منظور یافتن شغل (از طریق آموزش شخص بیکار و ایجاد مراکز کاریابی) و نیز کمک مالی به بیکارانی که به دلایل غیر ارادی بیکار می باشند، زمینه تحقق عدالت اجتماعی را در حق این گروه فراهم آورد.

مهمترین پایه اصلی تامین عدالت اجتماعی در جامعه امروزی تامین اجتماعی می باشد. تامین اجتماعی نوعی تضمین درآمد اشخاص در مقابل رویدادها و مخاطرات اجتماعی؛ از قبیل بیماری، پیری، از کارافتادگی، بیکاری و... می باشد. در واقع تامین اجتماعی را می توان ابزار تحقق عدالت اجتماعی از طریق ایجاد فرصت برابر برای تمام اعضای جامعه، به منظور بهره برداری از فرصت های زندگی شان دانست. برنامه های تامین اجتماعی تقریباً در تمام کشورها اجرا می شود، اما میزان توسعه و یا عقب ماندگی نظام تامین اجتماعی تا حدودی بنا به سطح توسعه اقتصادی کشورها، متفاوت می باشد. راهبرد های تامین اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی راهبر بیمه ای، (مشارکتی) کمک و خدمات اجتماعی می باشد. راهبرد بیمه، راهبردی در جهت حمایت از شاغلین جامعه در برابر مخاطرات اجتماعی می باشد. منابع آن از طریق حق بیمه پرداختی توسط کارگر و کارفرما و دولت تامین می شود و در صورت وقوع خطر اجتماعی (مانند پیری، بیکاری، بیماری و...) این بیمه ها تا حدی کمک های را (که میزان آن بسته به سابقه پرداخت حق بیمه و نیز درآمد قبلی فرد متفاوت است)، در اختیار بیمه شده قرار می دهد.

دولت ها از راهبرد کمک به منظور حمایت از افراد فقیر و نیز کسانی که از شمول بیمه های اجتماعی خارج اند، استفاده می کنند. منابع آن از درآمدهای عمومی تامین می شود و کارگر و کارفرما هیچ گونه مشارکتی در آن ندارند. میزان برخورداری از مزایای آن بسته به سطح نیاز شخص (که از طریق سنجش منابع درآمد شخص تعیین می شود)، تعیین می شود. هدف این است که سطح زندگی شخص از حداقل لازم برای تامین یک زندگی شرافتمدانه پایین تر نرود. این کمک ها می تواند به صورت عام؛ به معنای تحت پوشش قرار دادن تمام اشخاص نیازمند تحت شمول و یا به صورت

⁵ Ibid.,p2

⁶Ibid.,p3

خاص به منظور حمایت از یک گروه معین؛ مانند بیکاران ارائه شود. کشورها بسته به مورد در قالب نظام بیمه ای و یا کمک، حمایت های لازمه را از بیکاران خود به عمل می آورند.

مزایای نقدی ناشی از طرح های حمایت از بیکاری دولتی کمک موثری به ثبات درآمد و استانداردهای زندگی برای بسیاری از خانواده ها که نان آور آنها بیکار می باشد، می کند.

در کشور ما نیز چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب، مشکل بیکاری به عنوان یک از مهمترین دغدغه سیاسی، اجتماعی دولتمردان مطرح بوده که آغاز آن را می توان با ورود صنایع مدرن در عصر رضاخانی در ایران دانست. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی متعاقب آن فرار سرمایه ها از کشورمان و نیز نابودی و تعطیلی عمده کارخانه های کشور به علت حاکم بودن شرایط جنگی، به دنبال پایان جنگ، این موضوع حالت بحرانی به خود گرفت. رشد بی رویه جمعیت کشورمان نیز در سالهای بعد از پیروزی انقلاب و عدم سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال متناسب با آن، به دلیل شرایط پیش گفته، نیز به این موضوع دامن زد. بنابراین لازم آمد دولتمردان به طور جدی برنامه ریزی های در این زمینه به عمل آورند. در برنامه های توسعه و حتی در برنامه ها اقتصادی، سیاسی دولت های بعد از انقلاب، عمده سیاست ها متمرکز بر حل و یا کاهش پیامدهای منفی معضل بیکاری بود است.

سابقه بیمه بیکاری در ایران به سال ۱۳۲۵ شمسی برمی گردد. در این سال طرح قانون کار در قالب تصویبنامه، مشتمل بر ۴۸ ماده به تصویب هیات وزیران رسید و به موجب مواد ۳۵ تا ۳۳ تصویب نامه مزبور تشکیل صندوقی به نام صندوق تعاون به منظور حمایت ازدواج، عائله مندی، بیکاری، از کار افتادگی و کفن دفن پیش بینی شد که با دریافت حق بیمه ۳ درصد بر مبنای دستمزد ۱ درصد کارگر و ۲ درصد کارفرما مبادرت به کمک هایی از محل مبالغ واريز شده به کارگران کارگاههای مربوط به خود می نمود. در سال ۱۳۳۱ بر اساس قانون، سازمان بیمه های اجتماعی کارگران ملزم به تشکیل صندوق به نام کمک به بیکاران شد که درآمد آن ۵ درصد حاصل از حق تعاون و بیمه سازمان می باشد. در سال ۱۳۴۴ لایحه مزبور اصلاح و حمایت از بیکاران به عنوان یکی از حمایت های تامین اجتماعی حذف شد. در قانون تامین اجتماعی که در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسید نیز حمایتی از بیکاران نشد. به دنبال انقلاب و پایان جنگ به علت رکود حاکم در بازار کار و تعطیلی و ورشکسته شدن کارخانجات، قانون بیمه بیکار در سال ۱۳۶۶ برای مدت سه سال به طور آزمایشی به تصویب مجلس رسید. در تاریخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۲ این قانون از حالت آزمایشی خارج و به تصویب نهایی مجلس رسید.

ب- اهمیت موضوع و انگیزه انتخاب آن :

با توجه به اینکه عدالت اجتماعی امروزه به گفتمان غالب در جامعه ما تبدیل شده و نیز کارگران به عنوان قشر وسیعی از جامعه و آسیب پذیر بودن آنها در برابر تحولات و رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی لازم است توجه ویژه به آنها شود. وقوع هر گونه رویداد نامطلوب از قبیل جنگ، بلایای طبیعی، تورم، رکود و... مهمترین تاثیر آن بر کارگران می باشد. امروزه کشورمان به علت رشد فزاینده جمعیت در دهه های قبل و افزایش متقاضیان کار با معضلی به نام بیکاری دست پنجه نرم می کند. افزایش آمار بیکاری و عرضه نیروی جدید به بازار کار و عدم وجود شغل کافی برای این بیکاران، در صورتی که راه حلی برای حل آن اندیشیده نشود مطمئناً در آینده نزدیک به یک بحران تبدیل می شود. از طرفی با وجود حمایت های صورت گرفته از کارگران در قوانین گوناگون به علت ضعف نظارتی، اغلب کارفرمایان با دور زدن قانون، حتی با توسل به راه حل های به ظاهر قانونی (مانند قرار داد مدت موقت) از تعهدات قانونی خود شانه خالی می کنند. کمبود تحقیقات لازم در این زمینه به صورت جامع و کامل نیز انگیزه ای در جهت انتخاب این موضوع شد.

پ- پیشینه تحقیق: در ارتباط با موضوع انتخابی به تحقیق یا پژوهشی در این زمینه برخورد نکردم. اما در ارتباط با جزء اصلی این تحقیق یعنی بیکاری، مقالات و کتابهای در این زمینه نوشته شده است که تا حدی ارتباط با موضوع انتخابی دارد؛ از جمله مقاله تحت عنوان بیمه بیکاری تالیف یعقوب پور عباس می توان اشاره کرد.^۷ ایشان در این مقاله ابتدا به کلیاتی در ارتباط با نظام بیمه ای بیکاری پرداخته و سپس به طور مفصل به بررسی قانون بیمه بیکاری پرداخته است. دکتر عزت الله عراقی در کتابی با عنوان نقد و بررسی قانون تامین اجتماعی فصلی را به بیمه بیکاری اختصاص داده است. ایشان ابتدا مقاله نامه سازمان بین المللی کار در زمینه بیکاری مطرح سپس به بررسی قانون بیمه بیکاری در ایران و مقایسه آن با مقاله نامه ها پرداخته است.^۸ همچنین می توان به کتاب « بیمه بیکاری و قانون و مقررات و شعاع عمل آنها در ایران» نوشته سید علی هاشمی^۹ نیز اشاره کرد که به تشریح قانون بیمه بیکاری و انتقاد از آن اختصاص پیدا کرده است.

^۷ پور عباس، یعقوب، «بیمه بیکاری»، فصلنامه قوانین و مقررات تامین اجتماعی، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۸۵.

^۸ عراقی، عزت الله و همکاران، درآمدهای بر حقوق تامین اجتماعی، انتشاران موسسه عالی تامین اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

^۹ هاشمی، سید علی، بیمه بیکاری و قانون و مقررات و شعاع عمل آنها در ایران، موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۷۷.

ت- پرسش های تحقیق :

سؤال اصلی :

۱) آیا نظام بیمه بیکاری ایران توانسته است مقتضیات عدالت اجتماعی را بر آورده سازد؟

سؤال فرعی

۲) کاستی های نظام بیمه بیکاری ایران چیست و برای انطباق هر چه بیشتر با عدالت اجتماعی چه اصلاحاتی می توان در آن

انجام داد؟

ث- اهداف تحقیق :

هدف از این تحقیق آن است که، در پرتوی نظریات راجع به عدالت اجتماعی کاستی های قوانین در زمینه بیکاری را نشان دهیم تا گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی در حق بیکاران به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه برداشته باشیم. همچنین نشان دهیم، چگونه با اصلاح قوانین و رویه های موجود و نیز در صورت لزوم تصویب قوانین جدید تا حدودی بر معضلات اجتماعی اقتصادی ناشی از بیکاری غلبه کنیم. ارائه پیشنهاداتی در زمینه اصلاح قوانین و رویه ها و ارائه نظام مطلوب برای بیمه بیکاری کشورمان نیز از اهداف تحقق به شمار می آید.

ج- فرضیه تحقیق:

فرضیه اصلی :

نظام بیمه بیکاری کشورمان از برخی جنبه ها با عدالت اجتماعی هماهنگ نیست و کاستی هایی دارد.

فرضیه فرعی :

نظام بیمه بیکاری، در قالب نظام بیمه ای است که صرفاً بیکاران شاغل را در بر می گیرد و لازم است برای انطباق آن با عدالت اجتماعی، در قالب نظام حمایتی سایر بیکاران نیز تحت پوشش قرار گیرند.

د-روش تحقیق و محدودیت آن :

در این تحقیق از روش کتابخانه و اسنادی با مراجعه به قوانین و مقررات بیمه بیکاری و سایر اسناد بین المللی استفاده می شود. در ارتباط با مشکلات و تنگناهای تحقیق می توان اشاره به کمبود منابع در زمینه بیمه بیکاری به فارسی و و نیز ضعف تحقیقات انجام در این زمینه اشاره کرد. از طرفی به علت گستردگی موضوع که باید از ابعاد جامعه شناسی، اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد، تحقیق و بررسی گسترده را می طلبد.

ذ-سازمان دهی پژوهش:

این تحقیق در سه فصل ارائه می شود: در فصل اول به بررسی مبانی و مفاهیم تحقیق خواهیم پرداخت و آن را در سه گفتار ارائه می دهیم. گفتار اول را به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی و نظریات مختلف آن اختصاص خواهیم داد، به این صورت که ابتدا تعریفی از عدالت و اقسام آن ارائه می دهیم و سپس نظریات مختلف در این ارتباط را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

در گفتار دوم از ابزار تحقق عدالت اجتماعی که رفاه می باشد بحث می کنیم، به این ترتیب که ابتدا در یک مبحث به بررسی مفهوم رفاه، مبانی و زمینه های شکل گیری آن خواهیم پرداخت. در مبحث دوم، از ابزارها و مکانیسم های تحقق رفاه بحث خواهیم کرد. این مکانیسم ها و ابزارها را به ابزارها و نهادهای سنتی و ابزارهای مدرن رفاه تقسیم خواهیم کرد. منظور از ابزارهای و نهادهای سنتی؛ نهادهای و ابزارهای حمایت از فرد در برابر حوادث طبیعی (از قبیل سیل، زلزله و...) مخاطرات اجتماعی (فقر، بیکاری، حوادث ناشی از کار، بیماریهای شغلی و ...) قبل از پیدایش تامین اجتماعی و بیمه های اجتماعی می باشد. ابزارهای سنتی را به مکانیسم های فردی و اجتماعی تقسیم خواهیم کرد. مکانیسم های فردی شامل: بیمه های خصوصی و پس انداز می باشند و مکانیسم های جمعی شامل: کمک و معاضدت اجتماعی و حمایت های خانوادگی و عشیره ای می باشد. ابزار مدرن نظام رفاه که متعاقب تحول اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در جوامع غربی و ناتوانی ابزارهای سنتی در پاسخ گویی به نیازهای جامعه مدرن شکل گرفت، تامین اجتماعی می باشد که از طریق سه رویکرد بیمه ای، کمک، و خدمات اجتماعی عمل می کند. این موضوعات را در مبحث دوم مورد بررسی قرار می دهیم.

در گفتار سوم به بررسی جایگاه بیمه بیکاری در نظام رفاهی و تامین اجتماعی خواهیم پرداخت. این گفتار را در دو مبحث ارائه می دهیم. در مبحث اول به بررسی تاریخچه مبانی و مفاهیم بیمه های اجتماعی خواهیم پرداخت. ضرورت این بحث از آن جهت می باشد که بیمه بیکاری در واقع یکی از انواع بیمه های اجتماعی به حساب می آیند و برای فهم جایگاه بیمه بیکاری بررسی آن لازم می باشد و نیز به مقایسه آن با بیمه های خصوصی که در واقع بیمه اجتماعی بر گرفته از این بیمه

ها می باشند، خواهیم پرداخت. در مبحث دوم به بررسی بیکاری مبانی آن به طور مفصل اختصاص خواهیم داد، به این صورت که ابتدا بیکاری را تعریف و سپس انواع بیکاری و در نهایت به بررسی مبانی و ساختار بیمه بیکاری با مقایسه آن با مقاله نامه های سازمان بین المللی کار و موارد مشابه آن در سایر کشورها می پردازیم.

فصل دوم را اختصاص به نظام حمایت از بیکاری در حقوق کشورمان داده ایم و آن را در دو گفتار بررسی می کنیم. در گفتار اول به بررسی حمایتها صورت گرفته در نظام حقوق کشورمان از دو جنبه حمایت از بیکاران از قبل شاغل و بیکاران غیر شاغل می پردازیم. در مبحث اول معاهدات بین المللی در ارتباط با اشتغال و حمایت از بیکاری که کشورمان به آنها ملحق شده و در واقع در ردیف منابع داخلی به حساب می آید، را مورد بررسی قرار می دهیم. در مبحث های بعدی به ترتیب به بررسی قانون اساسی، قانون کار، قانون ساختار نظام رفاه، قانون مدیریت خدمات کشوری قانون بیمه بیکاری در ارتباط با حمایت اشتغال و پیشگیری از بیکاری خواهیم پرداخت.

گفتار دوم را به طور خاص به بررسی قانون بیمه بیکاری کشورمان اختصاص خواهیم داد و ضمن بررسی مفصل و گسترده سعی می شود، تمام ابعاد مبهم آن را بشکافیم. در این گفتار آراء دیوان عدالت اداری و بخش نامه های سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار و همچنین مصوبات هیات وزیران در این ارتباط را نیز نقد و بررسی می کنیم.

فصل سوم را به نقد و بررسی نظام بیمه ای بیکاری کشورمان و ارائه راه حل و ترسیم نظام مطلوب اختصاص خواهیم داد. این فصل را در سه گفتار ارائه می کنیم. در گفتار اول به نقد قانون بیمه بیکاری و بررسی موارد ابهام آن خواهیم پرداخت. در گفتار دوم نظام حمایت از بیکاری (نظام غیر بیمه ای) را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم و در نهایت در گفتار سوم به طراحی نظام مطلوب خواهیم پرداخت.

فصل اول: مبانی و مفاهیم تحقیق

در این فصل ابتدا به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی، مبانی و مفاهیم آن و نیز نظریات مختلف در این زمینه را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. در گفتار دوم با پذیرش وظیفه دولت به برقراری عدالت اجتماعی از ابزار تحقق آن یعنی رفاه بحث خواهد شد. ابتدا رفاه را تعریف، سپس تاریخچه رفاه و نظریات دو تن از مهمترین متفکران حوزه رفاهی را مورد بحث قرار می‌دهیم. در نهایت به سنجش رفاه با برخی شاخصه‌های مشابه می‌پردازیم. گفتار دوم را به بررسی جایگاه بیمه بیکاری در نظام رفاهی اختصاص داده ایم که در این گفتار ابتدا به طور مختصر بیمه‌های اجتماعی (به این علت که بیمه بیکاری در واقع از انواع بیمه‌های اجتماعی محسوب می‌شود) مورد بررسی قرار می‌دهیم. و در نهایت به تعریف بیکاری انواع آن مبانی و مفاهیم مربوط به بیمه بیکاری از طریق مقایسه آن با مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و سایر کشورها در این زمینه می‌پردازیم.

گفتار اول: بررسی مفهوم عدالت اجتماعی و نظریات مرتبط با آن:

مبحث اول: مفهوم عدالت و اقسام آن:

الف- مفهوم عدالت: از لحاظ لغوی، عدل و عدالت به معنای راستی، دادگری، داد، نظیر، بی‌همتا، و شاهد می‌آید که جمع آن اعدال است. همچنین به معنای دیگری؛ از جمله لنگه، کیل، پاداش، میانه روی، مساوات، برابری و راست ایستادن می‌آید.

در فرهنگ‌های مختلف تعاریف متفاوتی از عدالت ارائه شده است به عنوان مثال:

«متعادل، معاد، حد وسط، ضد جور، شایسته گواهی دادن، عادل، داددهنده، پیمانه، پاداش و در حکومت عملی عدل مقابل ظلم است و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل می‌باشد. امر وسط افراط و تفریط را نیز عدل می‌گویند».^۹

فرهنگ دیگر در این باره آورده است: عدالت در لغت به معنای راستی (استقامت) و در شریعت به معنای راستی در راه حق و دوری از مانع و برتری دادن عقل بر هوس است... عدالت از این جهت مصدر است که مترادف عدل است و عدل عبارت است: اعتدال، راستی، میل به حق، حد وسط بین دو طرف افراط و تفریط است.^{۱۰}

^۹ - سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۴۷۰.

^{۱۰} - جمیل، صلیبا، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۴۶۱.

بنابراین، در تعریف عدالت اندیشمندان تعابیر خاصی به کار برده اند و به این نحو، عدالت اصطلاح خاصی ندارد و مقصود از آن در همه جا معنای عرفی و لغوی عدالت است.

فیلسوف انگلیسی به نام «هربرت اسپینسر» در قرن نوزدهم این معنا را استشمام کرد که مفهوم عدالت در سراسر مناسبات و تعاملات زندگی روزمره ساری و جاری است به طوری که:

«شخص که کتاب جیبی اش را بر روی زمین می گذارد و بر می گردد می بیند شخص دیگری آن را برداشته و نمی خواهد به او پس بدهد سپس او آشفته می شود، یا اگر اجناس که مغازه دار به خانه اش فرستاده آنهایی نباشد که خریده است سپس او در برابر این کلاهبرداری لب به اعتراض باز می کند یا اگر در سالن نمایش چند دقیقه از روی صندلی بلند شوید و بعد برگردد و ببیند کسی دیگری جای او نشسته است او احساس می کند در حق او اجحاف شده است. با اینکه در این موارد احساس او از عدالت جریحه دار می شود، چه بسا نتواند آن ویژگی اصلی را که در هر مورد باعث جریحه در آمدن آن احساس می شود، تشخیص دهد. چه بسا احساس او تمام عیار و در عین حال تصویرش از عدالت آمیخته با ابهام باشد»^{۱۱}

عدالت، تمام قلمرو کنش های و منش های انسانی را در بر می گیرد؛ از همکاری تا رقابت و بر خورد منافع گرفته تا هر آن جا که به ادعایی، تقاضایی، یا وظیفه ای روزنی گشوده می شود. مسائل شخصی، ارتباط با دیگران، نهادهای اجتماعی، نظام حقوقی، حکومت و روابط میان حکومت ها، هر گونه برخورد میان نسلها... همه و همه به گونه ای تحت تاثیر نقش گذار عدالت هستند.

با این حال درست است که همه ما ممکن است، درک شهودی از عدالت داشته باشیم ولی مفهوم عدالت برای ما چندان روشن نیست و عدالت یکی از دشوارترین مفاهیم اساسی در اخلاق و فلسفه است.

ب- اقسام عدالت:

۱- **عدالت طبیعی و عدالت انسانی:** بعضی احتجاج کرده اند که نوعی عدالت در عالم وجود دارد که محور آن مفهوم قدرت است.^{۱۲}

^{۱۱} - ال هولمز، رابرت، **مبانی فلسفه اخلاق**، ترجمه مسعود علیا، انتشارات ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶

^{۱۲} - برای آگاهی بیشتر ر.ک: افلاطون جمهوری، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۴۸-۸۳

این واقعیت که در چهارگوشه عالم اقویا بر ضعف چیره اند، مبین و مظهر عدالت طبیعی است. این نظریه بیشتر از زبان کالیکس در محاوره بین گورگیاس و افلاطون مطرح شد و بعد به شکلی متحول شده در مفهوم نیچه ای از اخلاق، بسط و گسترش پیدا کرد و غالباً این نظر را پشتوانه دیدگاهی می دانند دایر بر این که «حق با کسی است که زور دارد».

عده ای نظیر اسپنسر تعبیر دیگری از عدالت طبیعی داشته اند. به زعم ایشان، عدالت طبیعی مرکب است از قانونی در جهان حیوانات، مبنی بر اینکه هر موجودی طعم نتایج خوب یا بد اعمالش را خواهد چشید. براین قرار برخی بر نیکی عمل می کنند و در نتیجه بقا نصیبشان می شود و کامیاب می مانند و کسانی که بدی می کنند نتیجه اعمالشان انقراض است.^{۱۳}

با این حال آراء اکثریت ناظر بر عدالت پیرامون امور انسانی دور می زند و گاهی اوقات عدالت حقوقی کانون توجه قرار می گیرد و در اینجا عدالت را فضیلتی به شمار می آورند که مردمان به آن آراسته شوند (همان طور که افلاطون و ارسطو می اندیشیدند).^{۱۴}

این دیدگاه در مورد عدالت نگاهی جامع از دیدگاه اخلاقی می باشد. در این خصوص چه چیز عادلانه است؟ و چه چیز ناعادلانه است؟ این صرفاً تعبیری است از این نظر که چه چیزی از حیث اخلاقی درست است و چه چیزی نادرست است.

۲- عدالت فردی و عدالت اجتماعی: معنای فردی و اجتماعی نیز از جمله معانی عدالت است. در بسیاری از مباحث در باب عدالت، به عدالت به عنوان یک صفت و فضیلت فردی نگریسته اند؛^{۱۵} مثلاً متفکران مسلمان در اخلاق اسلامی ویا در نگاه ارسطویی به عدالت گرایشی تحقیقی، معطوف به هدف می باشد؛ مثل اینکه قاضی یا امام جماعت و... باید عادل باشد. ولی در عصر جدید بحث های عدالت از حوزه فردی به حوزه اجتماعی معطوف گردیده است. امروزه عدالت اجتماعی به دو معنا به کار می رود: یکی در معنی کلی خود، تنها «اجتماع» را مد نظر قرار می دهد ولی در معنی ویژه و خاص آن با مشکلاتی ربط پیدا می کند که در قرنهای ۱۸ و ۱۹ مطرح شدن که از نمونه های آن را می توان بیکاری، بی پناهی، در ماندگی در دوران بیماری، سالخوردگی و محرومیت از آموزش های حرفه ای و حتی فقر و گرسنگی می

^{۱۳} - برای آگاهی بیشتر ر.ک. ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶، ص ۱۹-۲۱

^{۱۴} - جان گری، فلسفه سیاسی، فون مایک، ترجمه خشایار دیهیمی، انتشارات طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۹۹

^{۱۵} - صلیبا، جمیل، ص ۴۶۱

توان نام برد. در این ارتباط توجه اصلی به قشرهای محروم و کارگران معطوف بود. ایده عدالت اجتماعی زمانی مورد توجه فیلسوفان قرار گرفت که آنها نهادهای کلیدی اجتماعی و اقتصادی جامعه را که در توزیع منافع و وظایف نقش حیاتی دارند موضوعات مناسبی برای تحقیق و تفحص اخلاق سیاسی تشخیص دادند.^{۱۶}

اتفرد هومه در کتاب برداشتهای فلسفی عدالت اجتماعی را به پنج نوع تقسیم کرده که عبارتند از: (۱) عدالت در معامله (۲) عدالت جبرانی (۳) عدالت میان نسل ها (۴) عدالت و همبستگی و عدالت برای حیوانات

به عقیده هوفر، مقام مسئول در جامعه یعنی حکومت بیشترین نقش یاری دهنده و کمک کننده را در این مورد دارد؛ بدین نحو حکومت به وسیله قانون کیفری برای حفظ حقوق پایه ای و تعیین نظم اداری و مالیاتی به شرط وجود همکاری از سوی شهروندان، مقام مسئول برای عدالت است. علاوه بر این حکومت باید حمایت از سالخوردگان و کودکان که ناتوانی بارزی برای تامین نیازهای خود دارند زیر پوشش تامینی خود قرار دهد.^{۱۷}

اما برای تحقق عدالت اجتماعی یک سری پیش زمینه های لازم است که نگاه راولز در این زمینه قابل تامل می باشد، به این صورت که: (۱) هر شخص باید نسبت به گسترده ترین نظام کلی آزادی های بنیادین، حتی برابر داشته باشد (۲) نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را باید به نحوی سامان داد که شرط ذیل را برآورده سازند: الف) بیشترین منفعت را برای نابرخوردار ترین ها داشته باشد. ب) به موقعیت های و مقاماتی مربوط باشد که همگان فرصت برابر منصفانه ای برای دسترسی به آنها داشته باشند. راولز با این دیدگاه، بین آزادی و عدالت اجتماعی بدین نحو رابطه برقرار می کند. او برای تشریح و روشن کردن قضیه با ذکر یک مثال این گونه آغاز می کند که آیا انسانها حاضرند در ازای گرفتن پول بیشتر این خطر را بپذیرند که از بیان احساسات خویش منصرف شوند یا نتوانند با کسانی که تمایل دارند جمع کنند یا عمل نکردن به شعایر دینی که به نظرشان متحمل است مجبور شوند؟ راولز در پاسخ به این سوالات بحث را اینگونه مورد بررسی قرار می دهد که این گونه انسانها بدون پول اضافی چقدر فقیر هستند و اگر میان آزادی و نان انتخابی کرده باشیم، طبیعتاً همه نان را انتخاب می کنند. بنابراین، آزادی بنیادین زمانی می تواند اولویت داشته باشد که افراد به حد مشخصی از رفاه رسیده باشند. از طرف دیگر، راولز به این نکته واقف است یکسان بودن دستمزدها اقتصاد را راکد می کند و در اینگونه سیستمها افراد انگیزه کار مولد را ندارند که در نظام های اروپایی شرقی به عنوان سیاست اصولی اتفاق افتاد.^{۱۸}

در یک تقسیم بندی دیگر، عدالت اجتماعی به انواع مختلفی طبقه بندی شده است که به اختصار به آنها اشاره می شود:

^{۱۶} - اتفرد، هومه، برداشتهای فلسفی در باره عدالت، ترجمه امیر طبری، نشر اختران، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۸۶

^{۱۷} - همان ص ۱۲۶

^{۱۸} - John Rawls, *A Theory of Justice*, Cambridge & Harvard university press, second published, 2000 pp74-79

۱) عدالت صوری و ماهوی

۲) عدالت تبدیلی و توزیعی

۳) عدالت روندی، جبرانی و توزیعی

۱- **عدالت صوری و عدالت ماهوی:** در عدالت صوری عمدتاً به تعریف عدالت اکتفا می شود؛ مثلاً عدالت عبارت از آن است که حق هر صاحب حقی را به او رساندن و یا هر چیزی را در جای خویش نهادن و... اما این تعریف به تنهایی کافی نیست؛ زیرا این سوال مطرح می شود که معیارها و شاخص های عدالت در هر جامعه ای چیست؟ یعنی حق هر فرد چقدر است؟ و شهروندان هر جامعه مستحق چه مقدار از حقوق و مواهب هستند؟ و شاخص ها و معیارهای یک قانون عادلانه کدام است؟ و سوالاتی از این دست در دایره عدالت محتوایی می گنجد.^{۱۹}

۱-۲ **عدالت تبدیلی و عدالت توزیعی:** از منظر لیبرالیسم کلاسیک، عدالت مستلزم حفظ هیات کلی قواعد و شیوه های رسمی است. این گونه عدالت، ساختار فراگیر و حکومت قانون را تامین می کند تا در درون آن افراد بتوانند برای تعقیب منافع خود حمایت شوند و وجود قانون برای تامین شرایطی است که انسانها در آن بتوانند ترجیحات خود را متجلی و متحقق کنند. اما با این حال عدالت به نتایج ترجیحات مربوط نمی شود. فقر، نابرابری اجتماعی یا بیکاری خود به خود موضوع عدالت نیستند. این مفهوم را عدالت تبدیلی می نامند که جوهر آن چیزی محسوب می شود که مد نظر لیبرالها می باشد.^{۲۰}

بنابراین از نگاه لیبرالیسم، عدالت مفهومی است در خدمت مالکیت خصوصی، فزون خواهی فردی و اصالت فایده که گاه از آن تحت عنوان عدالت تبدیلی یاد کرده اند و گاه آن را مقابل عدالت توزیعی قرار داده اند که به موضوع بهبود وضعیت جامعه و رفاه توجه دارد. بنابراین، عدالت تبدیلی در تقابل با عدالت توزیعی قرارداد که غالباً آن را سوء تعبیر از عدالت دانسته اند. بیشتر تلاش عدالت توزیعی معطوف به بهبود و تسکین رنج و اندوه اجتماعی است. با این حال، نظریه پردازانی مانند «فون هایک» اعتقاد دارد که اصول پذیرفتنی برای توزیع رفاه در جامعه وجود ندارد و حتی اگر چنین اصولی وجود داشته باشد، قابل عملیاتی در یک جامعه نیست و توزیع مستلزم وجود برنامه و برنامه ریزانی است

¹⁹ -Robert, Audi, *The Cambridge Dictionary of philosophy*, Cambridge university press, first published, 1999, pp.456-457

^{۲۰} -وینست، اندرو، *ایدولوژی های مدرن سیاسی*، ترجمه مرتضی ثاقبی فر، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۶۷.

که بکوشد اصول خود را بر دیگران تحمیل کنند این گونه روند ها به دلیل خود کامه و خود سرانه بودن به طور اجتناب ناپذیری باعث بی عدالتی می شود.^{۲۱}

به عقیده هایک کل این ایده که به دنبال عدالت اجتماعی باشیم اشتباه فلسفی در بردارد. بنابراین، نابرابریها نیاز به توجیه ندارد. با این حال عدالت توزیعی بر سه مولفه زیر تاکید می کند:

۱) منافع و مضاربی که توزیع می گردد.

۲) طرفهای که منافع و مضار بین آنها توزیع می گردد.

۳) روندی که از طریق آن توزیع صورت می گیرد.^{۲۲}

این در حالی است که عدالت تبدیلی مربوط است به تقسیم اموال و فواید بر حسب استحقاق هریک از آنها، به طوری که در مورد آن بتوان گفت نسبت هر شیء مثل نسبت هریک از افراد دیگری به آن است که براساس عدل بتواند در جای او قرار گیرد. به عبارت دیگر، عدالت تبدیلی رابطه افراد با یکدیگر را تنظیم می کند، در حالی که عدالت توزیعی رابطه افراد با دولت را توضیح و تبیین می کنند. هریک از این تنظیم براساس یک نسبت برقرار است و تنها فرق آنها این است که نسبت عدالت تبدیلی، عددی و نسبت عدالت توزیعی هندسی است.^{۲۳}

۱-۳ عدالت جبرانی، روالی (روندی) و توزیعی: عدالت جبرانی در پی بازگرداندن موازنه به دنبال اعمالی نظیر دزدی یا غبن است که موازنه را برهم می زنند. مجازات (عدالت کیفری) و مطالبه خسارت از جمله وسایلی هستند که برای تحمیل این غایت به کار می رود. به عبارتی بهتر، جبران یک سری مسئولیت ها و شرایط و... است به این صورت دولت بخشی از مسئولیت خانواده ها از جمله کمک به خود کفایی، ارایه خدمات بیمه درمانی و آموزشی و... را به عهده می گیرد. همچنین عدالت جبرانی به یک سری شرایط نامناسب گذشته؛ از جمله ظلم و ستم، شرایط برده داری، استعماری و جنگ های امپریالیستی و تجاوز به حقوق اجتماعی و انسانی زنان در عرصه های مختلف نیز می گردد.^{۲۴}

²¹ -گری، جان ۸۰-۱۱۵

²² -ساندل، مایکل، **لیبرالیسم و منتقدان آن**، ترجمه احمد تدین، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷-۱۹۰

²³ -جمیل صلیبا، ص ۴۱۶

۱۷- گنورک و بلهلم فردریش هگل، **عناصر فلسفه حق یا خلاصه ای از حقوق طبیعی و علم سیاست**، ترجمه مهید ایرانی طلب، انتشارات پروین، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، ص ۱۳۳-۱۳۹

عدالت روالی یا روندی، بر توافقات، پیمانها و مراحل دادرسی حاکم است و آنچه را مشروع و منصفانه است از آنچه مشروع و منصفانه نیست متمایز می کند.

جان رالز یکی از معروفترین نظریه پردازان در بحث مبحث عدالت، عدالت روالی را به سه نوع تقسیم می کند و در کتابش به نام نظریه عدالت اجتماعی به شرح و تفسیر این مقوله می پردازد. وی در نوع اول از عدالت روالی ناقص نام می برد که در آن می توانیم پیشاپیش مشخص کنیم که نتیجه ای منصفانه یا عادلانه روندی معین چه خواهد بود. در این نوع عدالت، معیاری در اختیار است که فاقد روش خطا پذیری است که به یاری آن نتیجه مورد نظر را تضمین می کنیم. نظام دادگاه کیفری مثال مناسبی در این مورد است. در صورتی می توانیم بگوییم که افراد را باید در خصوص یک جنایت مجرم دانست که ایشان آن جنایت را مرتکب شده باشد.

عدالت روالی کامل، بدین گونه می باشد که می توانیم پیش از تحقق روال یا روندی، توزیعی را مشخص کنیم که توزیع منصفانه یا عادلانه چه باید باشد. در این جا برخلاف عدالت روالی ناقص، روندی وجود دارد که اگر به دقت دنبال شود پیش بینی نتیجه صحیح را تضمین می کند. مثال زیر این مطلب را به خوبی مشخص می سازد. اگر یک تکه کیک و دو بچه گرسنه داشته باشیم، نتیجه منصفانه معمولاً این است که کیک به دو قسمت مساوی تقسیم شده باشد. حال چگونه می توان این کار را کرد به طوری که نه تنها کیک به طور مساوی تقسیم شود بلکه هر دو بچه متقاعد شوند که این روند منصفانه بوده است؟ شاید طریق منصفانه این است که چاقو را به دست یکی از آنها بدهیم تا کیک را ببرد و بگذاریم دیگری قبل از او یکی از دو قسمت کیک را برای خودش بردارد.

در مقابل، در عدالت روالی محض، ملاک و میزانی در دست نداریم که بتوانیم مستقل از روند یا روال به آن استناد کنیم. بلکه روالی منصفانه را برای تقسیم کردن در پیش می گیرید و به انجام می رسانیم و سپس نگاه می کنیم که این روال چه نتیجه ای به بار آورده است، آن نتیجه هر چه باشد منصفانه خواهد بود. رالز اینگونه عدالت روالی را عدالت توزیعی می داند.²⁵

عدالت توزیعی عدالتی است که مقرر می دارد که منافع و مضار یا فشارها چگونه باید توزیع شود. مساله عدالت توزیعی زمانی پیش می آید که کسی منفعت یا ضرر یا به بیان کلی تر چیزی خوب یا بد دارد که قرار است آن را توزیع کند، یا به عبارتی، چیزی برای توزیع داشته باشد. همان گونه که در صفحات قبلی بیان شد عدالت توزیعی بر سه مؤلفه ذیل تاکید می گردد:

²⁵ -john Rawls, A Theory of justice, pp74-79